

بررسی فرضیه‌های بنیادین نظریه مدیریت وحشت

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۳/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸

میلاذ سبزه‌آرای لنگرودی^۱

عباس ابوالقاسمی^۲

مصطفی محمدی^۳

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر فرضیه‌های بنیادین نظریه مدیریت وحشت یعنی، تأثیر شرایط برجستگی مرگ (یادآوری افکار مرتبط با مرگ خویش) بر تلاش جهت افزایش حرمت خود و گرایش به جهان‌بینی فرهنگی را در دو مطالعه مورد آزمون قرار داد.

روش: هر دو مطالعه این پژوهش از نوع آزمایشی و در قالب طرح گروه آزمایشی و کنترل با پس‌آزمون بودند. در مطالعه اول، ۱۸۰ دانشجوی به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (شرایط یادآوری مرگ خویش) و کنترل (شرایط یادآوری موضوعی غیر از مرگ خویش) قرار گرفتند و با به کارگیری دو ابزار تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ و مقیاس حرمت خود روزنبرگ (RSES) اثر یادآوری مرگ بر تلاش جهت افزایش حرمت خود در میان آن‌ها آزمون شد. در مطالعه دوم نیز اثر یادآوری مرگ بر گرایش به جهان‌بینی فرهنگی با استفاده از مجموعه سنجش دفاع از جهان‌بینی فرهنگی در میان ۱۲۰ دانشجوی مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها نشان داد که یادآوری مرگ در مطالعه اول، تلاش جهت افزایش حرمت خود را در میان دختران افزایش داد، اما اثر یادآوری مرگ در مطالعه دوم بر جهان‌بینی فرهنگی معنی‌دار نبود.

کلیدواژگان: نظریه مدیریت وحشت، اضطراب مرگ، حرمت خود، جهان‌بینی فرهنگی

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه محقق اردبیلی miladsabzehara@alumni-ut.ac.ir

۲- دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۳- دانشجوی دکتری روانشناسی اجتماعی دانشگاه ژنو سویس

The investigation of basic hypothesis of Terror Management Theory

SabzehAra Langaroudi, M.
Abolghasemi, A.
Mohammadi, M.

Abstract

Introduction: Present study tested basic hypothesis of Terror Management Theory namely, the effects of mortality salience condition (remind own mortality-related thoughts) on effort to increase self-esteem and tendency to cultural worldview in two studies.

Method: Both studies were experimental and by post test with control group design. In the first study, 180 students from University of Tehran were randomly assigned to two experimental (remind ourselves of death) and control groups (the conditions remind topic except ourselves of death) and with using two tools of the task of called death-related thoughts and the Rosenberg Self-Esteem Scale (RSES) tested the effect of remind of death on the effort to increase self-esteem among those. Also in the second study tested the effect of remind of death on tendency to cultural worldview with using a measure of cultural worldview defense among the 120 students of the Kharazmi University and Sharif University of Technology.

Result: The results of two-way ANOVA showed that in the first study remind of death increased effort to increase self-esteem among girls but in the second study the effect of remind of death there was no significant on cultural worldview. The results were discussed based on Terror Management Theory, Self-Determination Theory and Contingencies of Self-Worth Theory.

Keywords: Terror Management Theory, death anxiety, self-esteem, cultural worldview

مقدمه

نظریه مدیریت وحشت^۱ (TMT، گرینبرگ، پیزینسکی و سولومون^۲، ۱۹۸۶) سعی کرده است تا دیدگاه هستی‌گرایانه^۳ به روان‌شناسی بدهد و موضوع مرگ را به شکلی تجربی بیازماید. بر اساس این نظریه، آگاهی انسان از فناپذیر بودن و مرگ خود در مقابل غریزه ذاتی وی به حفظ امنیت جسمانی و بقای خود، سبب بروز اضطراب مرگ^۴ در او می‌شود که وی برای کاهش این ترس با بکارگیری مکانیزمهای دفاعی نزدیک^۵ از قبیل انکار^۶، طرد^۷، به تأخیر انداختن^۸ و یا ایجاد انحراف در توجه^۹، این اضطراب وجودی را از سطح آگاهی و هوشیاری خود دور می‌کند. اما مطابق با این نظریه، ترس از مرگ در سطح ناهوشیار ذهن باقی می‌ماند و فرد برای مقابله بنیادی‌تر و بادوام‌تر با این ترس به انجام مکانیزمهای دفاعی دور^{۱۰} از قبیل پی‌گیری و طرفداری از ارزشهای دینی و قومی (جهان‌بینی فرهنگی^{۱۱}) و تلاش برای حفظ و افزایش حرمت خود می‌پردازد. از این‌رو، مطابق با نظریه مدیریت وحشت، ایمان به یک جهان‌بینی و حرمت خود برآمده از آن به عنوان سپری در برابر اضطراب ناشی از آگاهی از مرگ جهت کاهش ترس از مرگ در انسانها و فراهم کردن فرصتی برای پی‌گیری اهداف شخصی در زندگی عمل می‌کنند (هارمون- جونز و همکاران^{۱۲}، ۱۹۹۷؛ پیزینسکی، گرینبرگ و سولومون، ۱۹۹۹؛ آرنت و گرینبرگ^{۱۳}، ۱۹۹۹). شواهد تجربی در تأیید این نظریه نشان داده‌اند که شرایط برجستگی مرگ^{۱۴} (شرایطی که مرگ انسان را به سطح هوشیار و آگاهی وی می‌کشاند)، تلاش در جهت تقویت حرمت خود (زلسکویچ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳؛ دو و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۳) و تأیید جهان‌بینی فرهنگی (کوهن، سنک، سولومون و گرینبرگ^{۱۷}، ۲۰۱۳؛ جوناس، سالیوان و گرینبرگ^{۱۸}، ۲۰۱۳) را افزایش داده و اتخاذ نظامی از ارزشهای دینی و ملی و ارتقاء حرمت خود نیز به نوبه خود، اضطراب مرگ و تحریفها و دفاعهای رفتاری در ارتباط با این

- 1- Terror Management Theory (TMT)
- 2 - Greenberg, Pyszczynski & Solomon
- 3- existential
- 4- death anxiety
- 5- proximal
- 6- denial
- 7- rejection
- 8- delay
- 9- distraction
- 10- distal
- 11- cultural worldview
- 12- Harmon-Jones et al.
- 13-Arndt & Greenberg
- 14- mortality salience (MS)
- 15-Zaleskiewicz et al.
- 16-Du et al.
- 17-Cohen, Soenke, Solomon & Greenberg
- 18-Jonas, Sullivan & Greenberg

اضطراب را کاهش می‌دهند (پیزینسکی و همکاران، ۲۰۰۴؛ آرنست و وس، ۲۰۰۸؛ فریدمن، ۲۰۰۸؛ گوراری، استروب و هتس^۱، ۲۰۰۹؛ بست، ۲۰۱۰؛ بست و کانلی^۲، ۲۰۱۱؛ کالیر^۳، ۲۰۱۲).

گرینبرگ و همکاران (۱۹۹۲) در پژوهشی اولیه در این زمینه جهت بررسی فرضیه سپر اضطراب^۴ نظریه مدیریت وحشت که افزایش حرمت خود می‌بایست اضطراب ناشی از آگاهی از قریب‌الوقوع بودن مرگ را کاهش دهد، به عده‌ای از شرکت‌کنندگان پژوهش بازخورد شخصیتی مثبت و به عده‌ای دیگر بازخورد خنثی ارائه دادند. سپس شرکت‌کنندگان ویدئوهایی تهیه‌کننده در ارتباط با مرگ و ویدئوهایی خنثی را مشاهده کردند. نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگانی که بازخورد خنثی گرفته بودند بعد از دیدن فیلم مرتبط با مرگ، اضطراب مرگ بیشتری را نسبت به آنهایی که بازخورد مثبت گرفته بودند تجربه کردند. در مطالعه کیسر و شلدن^۵ (۲۰۰۰) به منظور بررسی این فرضیه که شرایط برجستگی مرگ تلاش در جهت کسب حرمت خود را افزایش می‌دهد، شرکت‌کنندگان ابتدا در شرایط برجستگی مرگ قرار گرفتند، سپس از آن‌ها خواسته شد تا به چند سؤال درباره انتظارشان از موفقیت‌های مالی ۱۵ سال آینده خود جواب دهند. پیش‌بینی پژوهشگران این بود که افراد پس از قرار گرفتن در شرایط برجستگی مرگ و آگاهی از قریب‌الوقوع بودن مرگ خود، تلاش بیشتری جهت کسب، حفظ و افزایش حرمت خود نشان دهند (در موفقیت‌های مالی آتی خود اغراق خواهند کرد). نتایج، فرضیه مذکور را تأیید کرد. در همین رابطه، زلسکوویچ و همکاران (۲۰۱۳) نیز در چهار مطالعه نشان دادند که برجستگی مرگ ارزش و معنایی را که مشارکت‌کنندگان برای پول در نظر می‌گیرند افزایش می‌دهد و همچنین، آمایش^۶ مشارکت‌کنندگان با پول (دریافت دسته‌های اسکناس به طور واقعی یا بازی‌وار) نیز به صورت سپری دفاعی در برابر افکار مرگ، اضطراب مرگ را در دو گروه آزمایشی کاهش می‌دهد. هاین، هاریهارا و نیا^۷ (۲۰۰۲) شرکت‌کنندگان ژاپنی را را ابتدا تحت شرایط برجستگی مرگ قرار دادند، سپس از آن‌ها خواستند تا مقاله‌ای بر ضد ژاپن را ارزیابی کنند. همچنین، از آن‌ها خواسته شد تا پس از دیدن یک سری تبلیغات درباره محصولات با ارزش و کم ارزش، تمایل خود را برای خریدن آن‌ها بیان کنند. این‌طور پیش‌بینی شده بود که شرکت‌کنندگان ژاپنی پس از قرار گرفتن در شرایط برجستگی مرگ، عکس‌العملی منفی نسبت به مقاله ضد ژاپنی (متضاد با جهان‌بینی فرهنگی) و تمایل نسبت به خرید محصولات با ارزش (تلاش برای افزایش حرمت خود) نشان دهند. نتایج به دست آمده نیز ارزیابی منفی بیشتر نسبت به مقاله ضد ژاپنی و تمایل کمتر به خرید محصولات کم ارزش را نشان داد. در نهایت، در مطالعه جانگ،

19-Gurari, Strube & Hetts

20-Bassett & Connelly

21- Cullier

4- anxiety buffer

1-Kasser & Sheldon

6- priming

3-Heine, Harihara & Niiya

هالبراستات و بلومک^۱ (۲۰۱۲) با بررسی رابطه میان برجستگی مرگ و دفاع از باورهای دینی که در دو سطح آشکار^۲ و پنهان^۳ اندازه‌گیری شد، در مطالعه اول نشان داده شد که به دنبال شرایط برجستگی مرگ مشارکت‌کنندگان به صورت آشکار از باورهای دینی خود دفاع کردند. به این صورت که افرادی که خود را مسیحی توصیف کرده بودند به دنبال برجستگی مرگ با اطمینان بیشتری بیان کردند که شخصیت‌های دینی ملکوتی وجود دارند، اما در مقابل مشارکت‌کنندگانی که دینی نداشتند با اطمینان بیشتری بیان کردند که شخصیت‌های دینی ملکوتی وجود ندارند. به علاوه، مطالعه‌های دوم و سوم نیز نشان داد که برجستگی مرگ به طور پنهان باورهای تمامی مشارکت‌کنندگان به وجود شخصیت‌های دینی ملکوتی را ورای گرایش دینی گزارش شده‌شان افزایش داد. با توجه به مطالب فوق و همچنین وجود تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع غربی با جامعه ایران، پژوهش حاضر با هدف بررسی دو فرضیه بنیادی نظریه مدیریت وحشت که بیان می‌کند شرایط برجستگی مرگ تلاش در جهت کسب حرمت خود و گرایش به جهان‌بینی فرهنگی را افزایش می‌دهد، در جامعه ایرانی انجام شد.

روش پژوهش

مطالعه اول از نوع طرح نیمه آزمایشی گروه آزمایشی و کنترل با پس‌آزمون بود. نمونه آن متشکل از ۱۸۰ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه تهران بود که به روش در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند (۹۰ پسر؛ ۴۰ نفر گروه آزمایش، ۵۰ نفر گروه کنترل و ۹۰ دختر؛ ۵۳ نفر گروه آزمایش، ۳۷ نفر گروه کنترل). میانگین و انحراف استاندارد سن پسران ۲۱/۴۳ و ۲/۰۹ و میانگین و انحراف استاندارد سن دختران ۲۰/۴۹ و ۱/۵۲ بود.

مطالعه دوم نیز از نوع طرح آزمایشی گروه آزمایشی و کنترل با پس‌آزمون بود. نمونه آن متشکل از ۱۱۵ دانشجوی دانشگاه خوارزمی و دانشگاه صنعتی شریف بود که به روش در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند (۵۸ پسر؛ ۲۸ نفر گروه آزمایش، ۳۰ نفر گروه کنترل و ۵۷ دختر؛ ۲۵ نفر گروه آزمایش، ۳۲ نفر گروه کنترل). میانگین و انحراف استاندارد سن پسران ۲۴/۰۹ و ۳/۶۶ و میانگین و انحراف استاندارد سن دختران ۱۹/۶۱ و ۰/۶۲ بود.

ابزار پژوهش

- تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ (مطالعه ۱ و ۲): برای فراخوانی افکار مرتبط با مرگ خویشتن به سطح توجه کانونی شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش (برجستگی مرگ)، از ابزار برجسته‌سازی افکار مرتبط با مرگ گرینبرگ و همکاران (۱۹۹۰) استفاده شد. افکار مذکور به

4-Jong, Halberstadt & Bluemke
2- explicit
3- implicit

وسیله درخواست از شرکت‌کنندگان برای جواب به دو سؤال باز درباره مرگشان فرا خوانده می‌شود. این دو سؤال عبارتند از: وقتی به مرگ خود فکر می‌کنید، چه احساساتی در شما ایجاد می‌شود؟ (شرح دهید) و به طور مشخص توضیح دهید که چه اتفاقاتی بعد از مرگ برای جسم شما روی می‌دهد؟ این روش در اکثر آزمایشهای مشابه به کار گرفته شده است (برای مثال، آرنست و سولومون، ۲۰۰۳).

– **مقیاس حرمت خود (مطالعه ۱):** برای اندازه‌گیری حرمت خود از مقیاس حرمت خود روزنبرگ^۱ (۱۹۶۵) استفاده شد. این ابزار شامل ۱۰ گزاره است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱ = عمدتاً نادرست، ۵ = عمدتاً درست) نمره‌گذاری می‌شوند. قربانی، واتسون، ژئو و نوربالا^۲ (۲۰۱۲) همسانی درونی مقیاس را ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. همسانی درونی مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۴ بود.

– **مجموعه سنجش دفاع از جهان‌بینی فرهنگی (دفاع از ایران) (مطالعه ۲):** برای ارزیابی میزان دفاع شرکت‌کنندگان از جهان‌بینی فرهنگی از یک مجموعه تکلیف، شامل ۱ مقاله و ۵ سؤال در مورد هر مقاله استفاده شد. این مجموعه توسط گرینبرگ، سیمون، پیژینسکی، سلمن و چاتل (۱۹۹۲) ساخته شده است. مجموعه اصلی شامل ۱ مقاله موافق و ۱ مقاله مخالف جهان‌بینی فرهنگی است و برای هر مقاله ۵ سؤال پرسیده می‌شود. در پژوهش حاضر فقط از مقاله موافق و ۵ سؤال مرتبط با آن استفاده شد. مقاله شامل یک پاراگراف و دربردارنده مطالب موافق با ایران بود. به عبارت دیگر، در این مقاله یک ارزیابی مثبت از ایران ارائه شد. فرم ۵ سؤالی نیز شامل ۳ گزاره برای ارزیابی شرکت‌کنندگان از مؤلف مقاله یک پاراگرافی (شامل ارزیابی هوش مؤلف، میزان دانش مؤلف، میزان علاقه ایجاد شده در شرکت‌کننده نسبت به مؤلف) و ۲ گزاره برای ارزیابی مقاله (شامل درجه موافقت شرکت‌کننده با عقیده مؤلف و درجه صحت مطالب بیان شده توسط مؤلف) بود. ارزیابی‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای (۱ = اصلاً، ۷ = کاملاً) انجام شد. این مجموعه و مشابه آن در غالب پژوهش‌های تجربی انجام شده در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است (گرینبرگ و همکاران، ۱۹۹۲؛ هارمون - جونز و همکاران، ۱۹۹۷). همسانی درونی مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۷۱ بود.

پس از تقسیم شرکت‌کنندگان به دو گروه آزمایش و کنترل، شرکت‌کنندگان گروه آزمایش به دو سؤال باز در ارتباط با مرگ خویشتن (تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ) پاسخ دادند و گروه کنترل نیز احساسات و هیجانات خود را در پاسخ به دو سؤال باز در ارتباط با یک موضوع اضطراب‌آور غیرمرتبط با مرگ (دندان درد و مراجعه به دندانپزشکی) بیان کردند. موضوع دندان درد در اکثر بررسی‌های این نظریه به عنوان موضوع گروه کنترل به کار برده می‌شود. سپس از شرکت‌کنندگان

1- Rosenberg Self-Esteem Scale (RSES)
2-Ghorbani, Watson, Zhuo & Norballa

خواسته شد تا یک متن با موضوع خنثی را که خواندن آن در حدود ۵ دقیقه زمان لازم داشت، روخوانی کنند. منظور از موضوع خنثی موضوعی است که هیجان غیرمعمول، به ویژه اضطراب در شرکت‌کنندگان ایجاد نکند. در این پژوهش یک پاراگراف ساده از یک داستان انتخاب و به شرکت‌کنندگان ارائه شد (ارائه موضوع خنثی بدین علت است که پیژینسکی و همکاران (۱۹۹۹)، ایجاد یک فاصله (۳ الی ۵ دقیقه‌ای) بین برجسته‌کردن افکار مرگ و اندازه‌گیری متغیر وابسته را در افزایش دسترسی‌پذیری افکار مرگ پیشنهاد می‌کنند). در مرحله پایانی، شرکت‌کنندگان در مطالعه ۱، مقیاس حرمت خود و در مطالعه ۲، پرسشنامه دفاع از جهان‌بینی فرهنگی را تکمیل کردند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی حرمت خود و جهان‌بینی فرهنگی در دو گروه آزمایش و کنترل به تفکیک جنسیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد حرمت خود و جهان‌بینی فرهنگی در دو گروه آزمایش و کنترل به تفکیک جنسیت

گروه	حرمت خود		جهان‌بینی فرهنگی	
	کنترل	رک	کنترل	رک
جنس	رک	مرد	زن	مرد
	زن	مرد	زن	مرد
M	۳۸/۸۸	۳۵/۳۶	۳۷/۲۷	۳۶/۱۷
	۴۰/۶۲	۳۵/۹۰	۱۶/۸۱	۱۷/۵۶
SD	۷/۱۷	۶/۷۵	۱۹/۴۰	۱۸/۰۶
	۶/۵۴	۶/۲۵	۱۸/۸۶	۱۷/۴۰
تعداد	۹۳	۸۷	۴۲	۵۴
	۵۳	۹۰	۳۲	۲۵

میانگین و انحراف استاندارد حرمت خود در گروه آزمایش، پسران ۳۶/۵۸ و دختران ۴۰/۶۲ و در گروه کنترل، پسران ۳۵/۳۶ و دختران ۳۷/۲۷ بود. بر این اساس در هر دو جنس حرمت خود در گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل بالاتر است. به عبارت دیگر، برجستگی مرگ به افزایش حرمت خود منجر شده است.

جهت بررسی همگنی واریانسها در مطالعه اول از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانسها (مطالعه ۱)

P	df2	df1	F
۰/۴۷	۱۷۶	۳	۰/۸۴

به منظور بررسی معناداری اثر برجستگی مرگ بر حرمت خود در تعامل با متغیر جنس، از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: خلاصه تحلیل واریانس دو راهه برای بررسی اثر برجستگی مرگ و جنس بر حرمت خود (مطالعه ۱)

منبع پراش	df	F	P	η^2
حرمت خود				
گروه	۱	۴/۹۱۹*	۰/۰۲۸	۰/۰۲۷
جنس	۱	۸/۳۷۱*	۰/۰۰۴	۰/۰۴۵
گروه × جنس	۱	۱/۰۷۷	۰/۳۰۱	۰/۰۰۶

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که اثر برجستگی مرگ و متغیر جنس بر حرمت خود و تعامل دو متغیر، بیانگر اثر معنی‌دار برجستگی مرگ و جنس بر حرمت خود است، اما تعامل دو متغیر گروه و جنس معنی‌دار نبود. در واقع، برجستگی مرگ پی‌گیری حرمت خود و حفظ و حمایت از آن را تنها در دختران به طور معنی‌داری افزایش داد.

جهت بررسی همگنی واریانسها در مطالعه دوم از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانسها (مطالعه ۲)

P	df2	df1	F
۰/۱۹	۱۱۱	۳	۱/۵۸

به منظور بررسی معنی‌داری اثر برجستگی مرگ و جنس بر جهان‌بینی فرهنگی از تحلیل واریانس دوراهه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: خلاصه تحلیل واریانس دو راهه برای بررسی اثر برجستگی مرگ و جنس بر جهان‌بینی

فرهنگی (مطالعه ۲)

منبع پراش	df	F	P	η^2
جهان‌بینی فرهنگی				
گروه	۱	۰/۲۷۸	۰/۵۵۹	۰/۰۰۲
جنس	۱	۳/۴۵۷	۰/۰۶۶	۰/۰۳۰
گروه × جنس	۱	۰/۲۳۰	۰/۶۳۲	۰/۰۰۲

بر اساس جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس دو راهه اثر برجستگی مرگ و متغیر جنس بر جهان‌بینی فرهنگی و تعامل دو متغیر، بیانگر عدم وجود اثر معنی‌دار برجستگی مرگ، جنس و تعامل گروه و جنس بر جهان‌بینی فرهنگی است. در واقع، شرایط برجستگی مرگ و یادآوری افکار مرتبط با مرگ، دفاع و حمایت از جهان‌بینی فرهنگی را در نمونه‌های پژوهش موجب نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی فرضیه‌های بنیادین نظریه مدیریت وحشت در ارتباط با چرایی نیاز به حرمت خود و پی‌گیری جهان‌بینی فرهنگی در نمونه ایرانی بود. بدین منظور دو فرضیه بنیادی نظریه مدیریت وحشت، یعنی تأثیر شرایط برجستگی مرگ (یادآوری افکار مرتبط با مرگ) بر تلاش در جهت کسب حرمت خود و گرایش به جهان‌بینی فرهنگی آزمون شد.

نتایج به دست آمده نشان داد که اثر یادآوری مرگ بر حرمت خود در میان دختران معنی‌دار بود (مطالعه ۱)، ولی اثر یادآوری مرگ بر جهان‌بینی فرهنگی معنی‌دار نبود (مطالعه ۲). همسو با نتیجه به دست آمده در مطالعه اول، بن‌آری، فلورین و میکولینسر^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای بر روی سربازان دریافتند که شرایط برجستگی مرگ، رانندگی پرخطر را در شرکت‌کنندگانی که مهارت در رانندگی برایشان منبعی برای افزایش حرمت خود بود، افزایش داد. پژوهش بن‌آری و همکارانش اثر کنایه‌دار برجستگی مرگ را نشان می‌دهد، به این صورت که رانندگی پرخطر که خود تهدیدی برای ادامه حیات افراد است چنانچه منبعی برای افزایش حرمت خود فرد باشد می‌تواند به واسطه یادآوری افکار مرتبط با مرگ افزایش یابد. در پژوهش هیرشبرگر و همکاران^۲ (۲۰۰۲) نیز این افزایش در رفتارهای

1-Ben-Ari, Florian & Mikulincer
2-Hirschberger et al.

پرمخاطره در جهت کاهش اضطراب مرگ از طریق افزایش حرمت خود مشاهده شد. در پژوهش دو و همکاران (۲۰۱۳) در سه مطالعه میان نمونه‌های اتریشی و چینی به طور کلی میان حرمت خود و اضطراب مرگ ارتباطی منفی دیده شد. اما میان نمونه اتریشی با جهان‌بینی غربی و فردگرا رابطه میان برجستگی مرگ و دفاع از جهان‌بینی توسط حرمت خود شخصی^۱ (ادراک تواناییهای شخصی) و میان نمونه چینی با جهان‌بینی شرقی و جمع‌گرا رابطه میان برجستگی مرگ و دفاع از جهان‌بینی توسط حرمت خود رابطه‌ای^۲ (ادراک خود در ارتباط با افراد مهم زندگی) تعدیل شد. همچنین، در پژوهش گلدنبرگ و همکاران (۲۰۰۰) نشان داده شد که شرایط برجستگی مرگ علاوه بر این که فعالیت‌های حمایت‌کننده حرمت خود را افزایش می‌دهد باعث کاهش فعالیت‌هایی آسیب‌زننده به حرمت خود نیز می‌شود.

در خصوص عدم معنی‌داری فرضیه‌های پژوهش مبنی بر افزایش تلاش در جهت کسب حرمت خود و طرفداری از اعتقادات و باورهای ملی و مذهبی به هنگام یادآوری افکار مرگ در مطالعه اول (در پسران) و مطالعه دوم (در هر دو جنس) که در برخی مطالعات صورت گرفته در نظریه مدیریت وحشت نیز مشاهده شده است (برای مثال، ببینید چن، ۲۰۰۹؛ به نقل از دو و همکاران، ۲۰۱۳؛ ین و چنگ^۳، ۲۰۱۰) به انجام پژوهش‌های بیشتر در جامعه ایران که به لحاظ فرهنگ جمع‌گرا و ترویج ارزشهای جنسیتی، فردی، ملی و دینی شرایط متفاوتی را نسبت به جوامع غربی دارد، نیاز است. علاوه بر پژوهش‌های تأییدکننده مفروضات مطرح شده در نظریه مدیریت وحشت، مطالعات انجام شده در نظریه خودمختاری^۴ و نظریه وابستگی‌های ارزش خود^۵، انتقاداتی را بر این نظریه وارد کرده‌اند. یکی از مفروضات مطرح شده در نظریه مدیریت وحشت این است که پی‌گیری و افزایش حرمت خود با کاهش اضطراب در افراد همراه خواهد بود. اما به طور عکس، مطالعات انجام شده در نظریه خودمختاری و نظریه وابستگی‌های ارزش خود نشان داده‌اند که افرادی که دغدغه حفظ و افزایش حرمت خود دارند (حرمت خود وابسته به ارزش‌هایی درون‌فکنی شده^۶) تنش و فشار روانی را تجربه خواهند کرد (دسی و رایان^۷، ۲۰۰۰؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰؛ کراکر و ولف^۸، ۲۰۰۱؛ رایان و براون، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، مطابق با نظریه خودمختاری، زمانی که حیطه‌های از قبیل، زیبا بودن، ثروتمند بودن، مشهور بودن، قدرت داشتن، داشتن تحصیلات بالا و غیره با تأکید و ارزش-گذاری محیط (خانواده، دوستان، مدرسه و غیره) همراه هستند، افراد نیز برای کسب این تأییدها، تحسین‌ها و نظرات مثبت محیط به پی‌گیری و ارزش‌گذاری آن‌ها خواهند پرداخت (انگیزش بیرونی^۹

-
- 1- personal self-esteem
 - 2- relational self-esteem
 - 5-Yen & Cheng
 - 4- Self-Determination Theory (SDT)
 - 5- Contingencies of Self-Worth Theory (CSWT)
 - 6- introjection
 - 2-Deci & Ryan
 - 3-Crocker & Wolfe

بیرونی^۱ رفتار) و با گذشت زمان، کسب این ارزشهای محیطی نه تنها تحسین بیرونی را به همراه خواهد داشت، بلکه نگرش و احساس مثبت فرد نسبت به خود را نیز موجب خواهد شد (انگیزش درون‌فکنی شده رفتار). در واقع، حرمت و اعتبار فرد در گرو این ارزشها و انتظارات بیرونی قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، کسب موفقیت و عملکرد موفق در این حیطه‌ها با احساس مثبت نسبت به خود یا همان حرمت خود بالا و شکست در آنها با داشتن نگرشی منفی درباره خود و حرمت خود پایین همراه خواهد بود. از این‌رو، افراد با حرمت خود وابسته به طور مداوم اضطراب و تنش ناشی از موفق شدن یا شکست خوردن در این حیطه‌ها و پیامدهای منفی شکست خوردن در این حیطه‌ها را تجربه خواهند کرد. علاوه بر این، موفقیت در این حیطه‌ها نیز تنها به طور کوتاه مدتی حرمت خود حالتی^۲ بالاتر و تجربه عواطف مثبت را به همراه خواهد داشت. از این‌رو، زمانی که افراد از حرمت خود در جهت کاهش اضطراب وجودی‌شان استفاده می‌کنند، این رفع اضطراب کوتاه‌مدت خواهد بود (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰؛ کراکر و ولف، ۲۰۰۱). نتایج مطالعه کراکر و لوتانن^۳ (۲۰۰۳) نیز نشان داد که در میان دانشجویان، آنهایی که حرمت خودشان وابسته به عملکرد تحصیلی‌شان بود فشار، درگیری بیشتر با استاد، عدم رضایت از عملکرد تحصیلی و انگیزش ذاتی^۴ کمتری را تجربه کردند.

فرض دیگر نظریه مدیریت وحشت این است که حرمت خود با کاهش اضطراب در افراد، زمینه‌پی‌گیری برنامه‌ها و اهداف شخصی در زندگی را برای آنها فراهم می‌کند. مطالعات انجام شده در نظریه وابستگیهای ارزش خود نشان داده‌اند که حرمت خود وابسته یا همان دغدغه حفظ و افزایش حرمت خود، تأثیرات مخربی در پی‌گیری برنامه‌ها و اهداف شخصی به همراه دارد که عبارتند از:

(۱) وقتی حرمت خود افراد وابسته به عملکردشان در حیطه‌هایی خاص می‌شود، بهتر عمل کردن آنها در حیطه‌های وابستگی نسبت به دیگران، تأییدات بیرونی و درونی بیشتری را برای آنها به همراه خواهد داشت. از این‌رو، این افراد بیشتر از این‌که به دنبال یادگیری باشند می‌خواهند تا به هر طریقی که شده شانس موفقیت خود را افزایش دهند و در واقع اغلب یادگیری را قربانی فواید کوتاه‌مدت افزایش حرمت خود می‌کنند. در مطالعه کراکر، لوتانن و سامرز (۲۰۰۴) بر روی ۴۰۰ دانشجو نیز نشان داده شد که دانشجویان با حرمت خود وابسته به حیطه‌هایی چون، شایستگی تحصیلی، برتری بر دیگران، کسب تأیید و تحسین دیگران و جذابیت ظاهری، در اهداف پیشرفتِ عملکرد-گرایش^۵ (احساس شایستگی از طریق بهتر عمل کردن از دیگران و

1- external regulation

2- trait self-esteem

- نگرش لحظه‌ای و وابسته به موقعیت فرد نسبت به خود که در برابر حرمت خود صفتی یا همان احساسات پایدار و دیرپای افراد نسبت به خود قرار دارد.

3-Crocker & Luthanen

4- intrinsic motivation

5- performance-approach

و نشان دادن سودمندی خود به دیگران) و عملکرد-اجتناب^۱ (کسب شایستگی از طریق اجتناب کردن از شکست و مشخص شدن عدم صلاحیت فرد در نظر دیگران) بالا بودند، اما در جهت‌گیری چیرگی-گرایش^۲ (یادگیری بهتر مسائل و مسلط شدن بر آن‌ها و کسب شایستگی حاصل از تسلط بر فعالیتها) بالا نبودند.

۲) افراد با حرمت خود وابسته به دنبال تهدید حرمت خود (شکست در حیطه‌های وابستگی) می-فهمند که هیجانهای منفی که تجربه کرده‌اند بسیار ناخوشایند هستند و از این‌رو به حال اول برگرداندن تعادل هیجانی را بر دیگر اهداف برنامه‌ریزی شده خود اولویت می‌دهند. بدین‌سان ممکن است که افراد تمایل داشته باشند تا پرخوری نکنند، الکل مصرف نکنند، زیاد پول خرج نکنند یا داروهای روان‌گردان مصرف نکنند، اما این اهداف و کنترلها ممکن است توسط فردی که دچار پریشانی و آشفتگی شده و امید دارد که با مصرف زیاد غذا، نوشیدن الکل، پول خرج کردن و مصرف داروها به حالت تعادل برگردد نادیده گرفته شوند (بامیستر^۳، ۱۹۹۷).

۳) شکست در دستیابی به اهداف می‌تواند با احساس خطر کردن درباره ارزش خود نیز رخ دهد. برای مثال، وقتی موفقیت در یک حیطه وابستگی حرمت خود آسان است یا هزینه‌های شکست در آن حیطه خیلی زیاد و مهم نیستند افراد با صرف کردن انرژی و توان خود، هدف حفظ، حمایت و تقویت حرمت خود را تحقق می‌بخشند. اما زمانی که موفقیت دشوار است یا هزینه-های شکست در حیطه وابستگی مهم و زیاد هستند، افراد با انجام رفتارهای خودمانع‌سازی^۴، از قبیل، تمرین نکردن قبل از انجام تکلیف، با عجله انجام دادن تکلیف و انجام دادن تکلیف در شرایط نامساعد، برای مثال، همراه با مصرف الکل یا انجام تکلیف در وضعیتهای شلوغ و گیج-کننده، بهانه‌های لازم را برای شکست احتمالی فراهم کرده و از این طریق به حفظ و تقویت حرمت خودشان می‌پردازند. اما این اولویت دادن به حفظ حرمت خود مانع از رسیدن آن‌ها به اهداف برنامه‌ریزی شده خود، یعنی موفقیت در حیطه وابستگی، می‌شود (کراکر و نوئر، ۲۰۰۴؛ نیا، بروک و کراکر^۵، ۲۰۱۰).

در پایان، با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش از قبیل عدم انجام پژوهش با حجم نمونه بیشتر و طرحی که امکان بررسی نمرات پیش‌آزمون را نیز به دست دهد و با توجه به نتایج کسب - شده در پژوهش حاضر و به ویژه، نقش جهان‌بینی فرهنگی (از جمله، اعتقادات دینی) در جامعه

1- performance-avoidance

2- mastery-approach

4-Baumeister

4- self-handicapping

- انجام رفتارهایی که احتمال موفقیت در یک تکلیف دشوار را کاهش می‌دهند اما یک توجیه یا بهانه باور کردنی را برای شکست احتمالی و این که عدم توانایی فرد باعث آن نشده است را فراهم می‌کنند- مانند، مطالعه کردن در یک محیط شلوغ قبل از شرکت در یک آزمون دشوار.

6-Niiya, Brook & Crocker

ایران، انجام پژوهشهایی با نمونه‌های متفاوت از نظر اعتقادات دینی و سطوح^۱ و انواع^۲ متفاوت حرمت خود جهت بررسی مفروضات نظریه مدیریت وحشت پیشنهاد می‌شود.

منابع

- Arndt, J., & Greenberg, J. (1999). The effects of a self-esteem boost and mortality salience on responses to boost relevant and irrelevant worldview threats. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 1331-1341.
- Arndt, J., & Solomon, S. (2003). The control of death and the death of control: The effects of mortality salience, neuroticism, and worldview threat on the desire for control. *Journal of Research in Personality*, 37, 1-22.
- Arndt, J., & Vess, M. (2008). Tales from existential oceans: Terror management theory and how the awareness of death affects us all. *Social and Personality Psychology Compass*, 2, 909-928.
- Bassett, J.F. (2010). The effects of mortality salience and social dominance orientation on attitudes toward illegal immigrants. *Social Psychology*, 41, 52-55.
- Bassett, J.R., & Connelly, J.N. (2011). Terror management and reactions to undocumented immigrants: Mortality salience increases aversion to culturally dissimilar others. *The Journal of Social Psychology*, 151, 117-120.
- Baumeister, R.F. (1997). Esteem threat, self-regulatory breakdown, and emotional distress as factors in self-defeating behavior. *Review of General Psychology*, 1, 145-174.
- Ben-Ari, O.T., Florian, V., & Mikulincer, M. (1999). The impact of mortality salience on reckless driving: A test of terror management mechanisms. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 35-45.
- Cohen, F., Soenke, M., Solomon, S., & Greenberg, J. (2013). Evidence for a role of death thought in American attitudes toward symbols of Islam. *Journal of Experimental Social Psychology*, 49, 189-194.
- Crocker, J., & Luhtanen, R.K. (2003). Level of self-esteem and contingencies of self-worth: Unique effects on academic, social, and financial problems in college freshmen. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 701-712.
- Crocker, J., & Luhtanen, R.K., Sommers, S. (2004). Contingencies of self-worth: Progress and prospects. *European Review of Social Psychology*, 15, 133-181.
- Crocker, J., & Nuer, N. (2004). Do people need self-esteem? *Psychological Bulletin*, 130, 469-472.
- Crocker, J., & Wolfe, C.T. (2001). Contingencies of self-worth. *Psychological Review*, 108, 593-623.

1- level of self-esteem

2- type of self-esteem

- Cullier, D. (2012). Subconscious gate keeping: The effect of death thoughts on bias toward outgroups in news writing. *Mass Communication & Society*, 15, 4-24.
- Deci, E.L. & Ryan, R.M. (2000). The “what” and the “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Du, H., Jonas, E., Klackl, J., Agroskin, D., Hui, E.K.P., & Ma, L. (2013). Cultural influences on terror management: Independent and interdependent self-esteem as anxiety buffers. *Journal of Experimental Social Psychology*, 49, 1002-1011.
- Friedman, M. (2008). Religious fundamentalism and responses to mortality salience: A quantitative text analysis. *International Journal for the Psychology of Religion*, 18, 216-237.
- Ghorbani, N., Watson, P.J., Zhuo, C., & Norballa, F. (2012). Self-Compassion in Iranian Muslims: Relationships with Integrative Self-Knowledge, Mental Health, and Religious Orientation. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 22, 106-118.
- Greenberg, J., Pyszczynski, T., & Solomon, S. (1986). The causes and consequences of a need for self-esteem: A terror management theory. New York: Springer-Verlag.
- Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S., Rosenblatt, A., Veeder, M., Kirkland, S., & Lyon, D. (1990). Evidence for terror management theory II: The effects of mortality salience on reactions to those who threaten or bolster the cultural worldview. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 308-318.
- Greenberg, J., Solomon, S., Pyszczynski, T., Rosenblatt, A., Burling, J., Lyon, D. (1992). Why do people need self-esteem? Converging evidence that self-esteem serves as an anxiety-buffering function. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 913-922.
- Greenberg, J., Simon, L., Pyszczynski, T., Solomon, S., & Chatel, D. (1992). Terror management and tolerance: Does mortality salience always intensify negative reactions to others who threaten one’s worldview? *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 2112-220.
- Goldenberg, J.L., McCoy, S.K., Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Solomon, S. (2000). The body as a source of self-esteem: The effects of mortality salience on identification with one’s body, interest in sex, and appearance monitoring. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 118-130.
- Gurari, I., Strube, M.J., & Hetts, J.J. (2009). Death? Be proud! The ironic effects of terror salience on implicit self-esteem. *Journal of Applied Social Psychology*, 39, 494-507.
- Harmon-Jones, E., Simon, J., Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S., & McGregor, H. (1997). Terror management theory and self esteem: Evidence that increased self esteem reduces mortality salience effects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 24-36.

- Heine, S.J., Harihara, M., & Niiya, Y. (2002). Terror management in Japan. *Asian Journal of Social Psychology*, 5, 187-196.
- Hirschberger, G., Florian, V., Mikulincer, M., Goldenberg, J.L., & Pyszczynski, T. (2002). Gender differences in the willingness to engage in risky behavior: A terror management perspective. *Death Studies*, 26, 117-141.
- Jonas, E., Sullivan, D., & Greenberg, J. (2013). Generosity, greed, norms, and death-differential effects of mortality salience on charitable behavior. *Journal of Economic Psychology*, 35, 47-57.
- Jong, J., Halberstadt, J., & Bluemke, M. (2012). Foxhole atheism, revisited: The effects of mortality salience on explicit and implicit religious belief. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48, 983-989
- Kasser, T., & Sheldon, K.M. (2000). Of wealth and death: Materialism, mortality salience, and consumption behavior. *Psychological Science*, 11, 348-351.
- Niiya, Y., Brook, A.T., & Crocker, J. (2010). Contingent self-worth and self-handicapping: Do contingent incremental theorists protect self-esteem? *Self and Identity*, 9, 276-297.
- Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Solomon, S. (1999). A dual-process model of defense against conscious and unconscious death-related thoughts: An extension of terror management theory. *Psychological Review*, 106, 835-845.
- Pyszczynski, T., Greenberg, J., Solomon, S., Arndt, J., & Schimel, J. (2004). Why do people need self-esteem? A theoretical and empirical review. *Psychological Bulletin*, 130, 435-468.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 68-78.
- Ryan, R.M., & Brown, K.W. (2003). Why we don't need self-esteem: On fundamental needs, contingent love, and mindfulness. *Psychological Inquiry*, 14, 27-82.
- Yen, C.L., & Cheng, C.P. (2010). Terror management among Taiwanese: Worldview defense or resigning to fate? *Asian Journal of Social Psychology*, 13, 185-194.
- Zaleskiewicz, T., Gasiorowska, A., Kesebir, P., Luszczynska, A., & Pyszczynski, T. (2013). Money and the fear of death: The symbolic power of money as an existential anxiety buffer. *Journal of Economic Psychology*, 36, 55-67.